نگاهی به تاریخ شکل‌گیری «دارالتقریب مذاهب اسلامی»!

با این حال، قدمت فعالیت‌های تقریبی و تلاش‌های علمای اسلام برای تحقق آن، بسیار بیشتر از قدمت تأسیس دارالتقریب است. مورخان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی را بانی احیای این تفکر در جهان اسلام می‌دانند؛ می‌گوییم «احیا»، از آن رو که تقریب مذاهب اسلامی، یک آموزه جدید و برخاسته از تفکرات دوره معاصر نیست، بلکه باید آن را یکی از آموزه‌های اصیل اسلامی بدانیم که به حکم آیاتی مانند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران - ۱۰۳)، توجه و اهتمام به آن بر هر مسلمانی واجب و لازم است. آنچه موجب توجه دوباره اندیشمندانی مانند سیدجمال به مقوله تقریب مذاهب و وحدت اسلامی شد، گرفتاری دامنه‌دار مسلمانان در دام استعمار و سوءاستفاده دشمنان اسلام از این تفرقه و چنددستگی بود که با روش‌های مختلف از جمله فرقه‌تراشی و بزرگ کردن برخی اختلافات عقیدتی به آن دامن می‌زدند. سیدجمال این دیدگاه را نخستین بار در روزنامه عربی‌زبان «عروة‌الوثقی» مطرح کرد؛ دیدگاهی که مورد توجه برخی از علمای مذاهب مختلف اسلامی قرار گرفت و بذر آن توسط دوستداران و شاگردان سید در سراسر جهان اسلام پاشیده شد و حتی طبق روایت زنده‌یاد استاد محیط طباطبایی به تأسیس مجمعی به نام «جمعیة التقریب بین اهل الاسلام» انجامید که افرادی مانند ابوتراب ساوجی و میرزا محمدباقر بواناتی، از اطرافیان سیدجمال، در آن فعال بودند.

پیش به سوی «دارالتقریب»

بازتعریف مفهوم تقریب و تأسیس جمعیتی در این راستا با همت زنده‌یاد حجت‌الاسلام محمدتقی قمی از اندیشمندان معاصر جهان تشیع به انجام رسید. او در سال ۱۳۱۷ خورشیدی به مصر مهاجرت کرد تا زمینه فعالیت در این عرصه را فراهم کند. در آن زمان مصر به دلیل فعالیت دانشگاه الازهر، از مراکز مهم و علمی برادران اهل سنت بود. با این حال، مجمع به دلیل فقدان حمایت جدی و صریح از سوی علمای تأثیرگذار جهان اسلام، با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو بود. حجت‌الاسلام قمی با آغاز جنگ جهانی دوم، از مصر خارج شد و به ایران بازگشت. او در قم به دیدار آیت‌الله العظمی بروجردی رفت و طرح خود را درباره تأسیس دارالتقریب به ایشان عرضه کرد. آیت‌الله العظمی بروجردی، حامی آن شد و از فعالیت دارالتقریب به صورت مادی و معنوی حمایت کرد. همزمان در مصر نیز هواداران تقریب در مراکز علمی اهل سنت مانند دانشگاه الازهر به این رویکرد روی خوش نشان دادند و مکاتبات بسیاری میان آن‌ها و علمای شیعه در لبنان، نجف و قم انجام گرفت که معروف‌ترین آن‌ها، نامه‌نگاری‌های متعدد میان آیت‌الله

العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت، مفتی اعظم الازهر بود. دو سال پس از تأسیس دارالتقریب، در سال ۱۳۲۷ مجله رسالة الاسلام منتشر شد؛ نخستین مجله‌ای که در آن اندیشمندان جهان اسلام، فارغ از نوع مذهب و دیدگاه اعتقادی، به نگارش مقاله‌های تقریبی دست زدند. انتشار مجله، گام بلندی در مسیر آشنایی مذاهب با یکدیگر و شناخت ظرفیت‌های تقریبی محسوب می‌شد. به تدریج بسیاری از علمای جهان اسلام به دارالتقریب روی خوش نشان دادند و افرادی همچون شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، سید هبةالدین شهرستانی و سیدعبدالحسین شرف‌الدین از علمای شیعه امامیه؛ محمدعلی علویه‌پاشا، شیخ عبدالمجید سلیم (رئیس هیئت فتوای دانشگاه الازهر)، حاج امین حسینی (مفتی اعظم فلسطین)، شیخ محمد عبدالفتاح عنانی(رئیس مذهب مالکی)، حسن البَنّا (رهبر جمعیت اخوان المسلمین) از علمای اهل سنت و قاضی محمد بن عبدالله امری از علمای مذهب زیدیه از دارالتقریب حمایت کردند. چنین اجتماعی از علمای مذاهب اسلامی، تا آن زمان سابقه نداشت و فرصتی طلایی برای آشنایی بیشتر پیروان مذاهب مختلف اسلامی پدید آورد. در پرتو همین تفاهم مؤثر، فتوای مشهور شیخ محمود شلتوت مبنی بر جواز استفاده از منابع فقهی شیعه امامیه برای پیروان مذاهب اهل سنت صادر شد.

تداوم یک راه مقدس

متأسفانه دارالتقریب با وجود شروع خوب و مؤثر نتوانست به مسیر خود ادامه دهد. دلیل این مسئله، جدا از رحلت بنیان‌گذاران دارالتقریب، فعالیت‌های گسترده مخالفان این رویکرد در کشورهای گوناگون بود؛ مخالفانی که هم در میان اهل سنت فعال بودند و هم در میان شیعیان. با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با توجه به نگاه ویژه امام خمینی(ره) به موضوع وحدت، امیدهایی برای بازسازی مکانی شبیه به دارالتقریب، در دل‌ها زنده شد. در سال ۱۳۶۹ با تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی به ابتکار حضرت آیت‌ا خامنه‌ای، فعالیت‌های تقریبی وارد مرحله‌ای جدید شد؛ مرحله‌ای که در آن، با وجود شدت گرفتن فعالیت دشمنان، گام‌های مؤثری در این مسیر مقدس برداشته شده و همچنان برداشته می‌شود.